

"یک اعتراف اشتباه"

کاری از تیم:

'Flaxen Guys'



Flaxen_guys



Flaxen_guys



Flaxenguys

مترجم:

Hyun

تایپست:

Misaky__m

ویراستار:

Lack wood

کلینر:

S.Z



잘못된 고백

만화: 해늬 원작: 코오아라



درخشان...

می‌خواهین
کمکتون کنم یکم
بخوابید؟



نه.

قاطع

همم؟



حتی با اینکه دارم
بوش پیشنهاد می‌دم این
کارو براش مفت و مجانی
انجام می‌دم؟!

صدای باران

مگه نمی‌خواید
بخوابید، آقا؟

... محافظا به دستور
من الان دارم استراحت
می‌کنم. من خودم
نمی‌تونم بخوابم.



درسته...


آه، پس بهتر نیست
من همینجا ایستم و
نگهبانی بد.

تو؟



اهم، قیافتون
یکم زیادی
خشنه...

مکه، رفتار الان من
خیلی مهربانانه و دلسوزانه
نیست؟! پس چرا
اینطوری شد؟

چرا احساس می‌کنم
مثل این می‌مونه که دارم
التماسش می‌کنم که هر
جوری شده کمکش کنم؟! 



پس من
می‌تونم جای یکی از
محافظای ایند.



تازه

مثل اینکه
اصلاً به من اعتماد
ندارید!!

ادیتور: در این هنگام جمعیتی که منتظران رنه به گندی بالا بیاره: نگریستن سقف اتاق* به به عجب ستاره‌هایی



.....

... نگو که،



همه‌ی این تلاشات
برای این بود که
بهت اعتماد کنم؟

فکر می‌کنی
برام جالبه که همین
کاری بکنم؟! **مشت کردن**

کاش می‌تونستم
افکارمو به
زبون بیارم... .



آه، واقعاً
احساس می‌کنم علاف
شدم.

ولی آه بذارم
همینطوری بمونه، فردا
شواپیه‌های نیکل بازم
مجبورن رفتار فکلسو
تعمل کنن.

سرد...!



باید واسه منافعمون
باهاش کنار پیام.

دیروز هم نتونستید
بخوابید؟ (لافاً برای چند
لحظه هم که شده،
بخوابید.

اگه اتفاقی
بیفته، فوراً بیدارتون
می‌کنم.



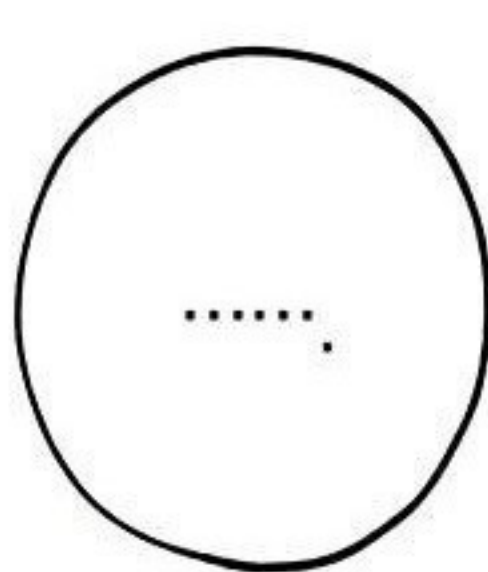
....



خودت چرا تا
الان نخوابیدی؟



باید بگم
به خاطر توئه که هنوز
نخوابیدم؟



خب. باید
واقعیشو بهش
بگم...

منم نتونستم
بخوابم.

فکر می‌کنم
به خاطر شوک اون
حمله باشه.

به هر حال هرچوری
شده باید فراموشش
کنم.

از وقتی همدیگه
رو دیدیم انگار همه ش
داشتم غر می‌زدم...

ساکت...

دیگه اونچوری فکر
نمی‌کنم. اون باعث می‌شه
پس کنم بهم عمر دوباره
داده شده.

تمرکز کردن...

...

از وقتی اوسدم داخل
ساکته و هیچ حرفی
نزرده یعنی الان اجازه
داره بمونم، درسته؟

صدای باران...

چنب.

بختی اگه چادر اروم باشه.
کابل به نیروی درمانی من برای
اینکه بتونه بخوابه نیاز
داره. الان واقعاً مشکلی نداره؟

شاید باید
چادر رو عوض
کنیم...

سروهدای
اینجا زیاده؟



تا وقتی که تو ساکت باشی همه چی خوبه.



آه، واقعاً که! غیر مستقیم بهم گفت دهنمو بندرم!

... آه، بله. چند ساعت می خوابید بخوابید؟

اصولاً صدای پرده است



...

غریبی

یه ساعت.



نظاھر می کنه که
بخواش نمید. ولی از
درون دلش می بخواد
همه ش بخوابه.

لبختک... .

متوجه شدم.

دو ساعت مثک
یه ساعته.

ملائنم
فمچین حس
داره.

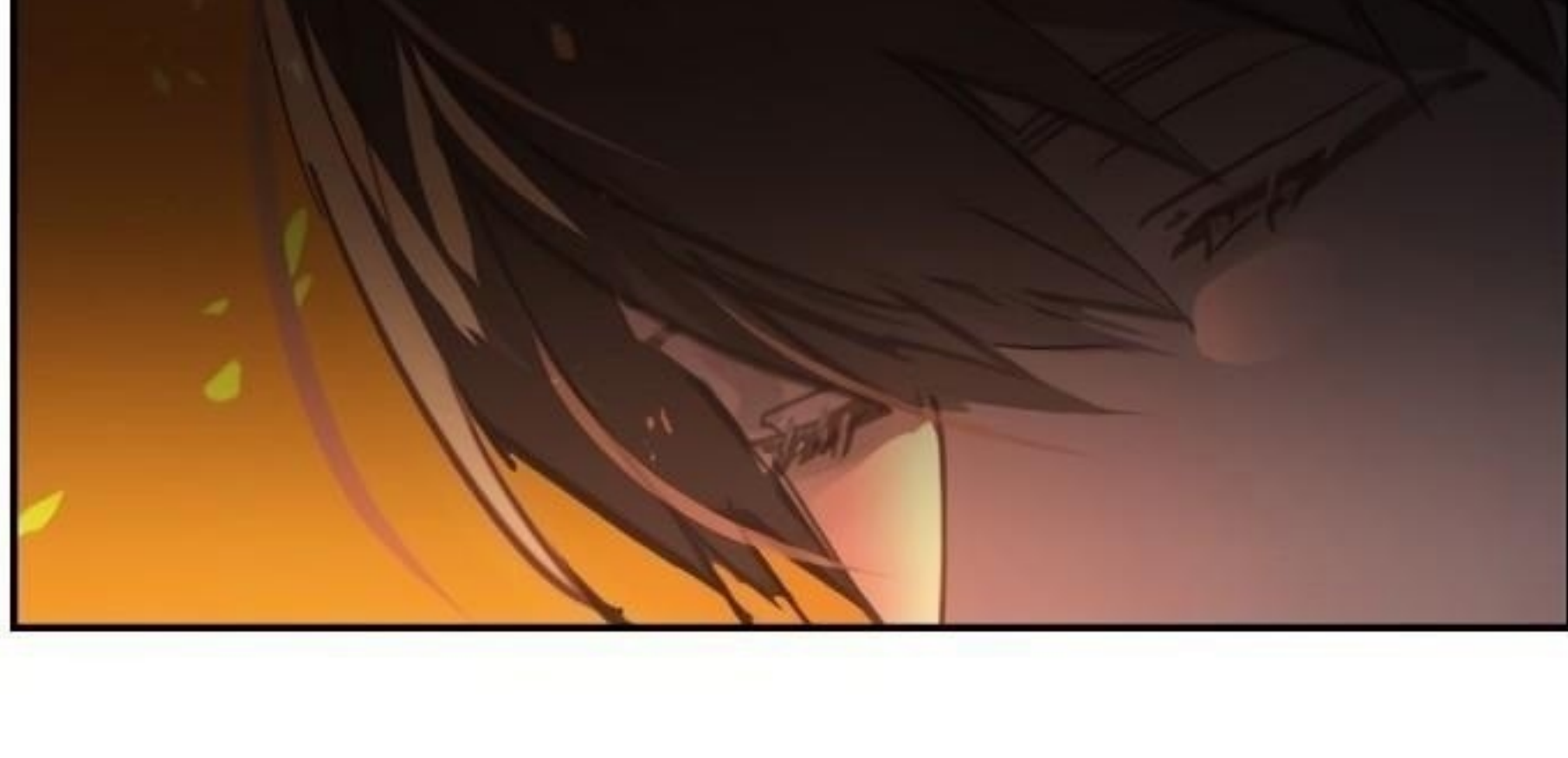
잘못된 고백

نوېسنده: Koo Ara . طراح: Hae Nok

-چپتر 23-

مدای باران





عادلانه نیست
کسی که دو هفته نقواییده رو
به این زودی بیدار کرد،
نه؟



و شب راستش،
به نظرم اصلاً اشکال نداره که
وقتمو با زل زدن به صورتش
تلف کنم.

نمی دونیستم زل زدن
به صورت یکی می تونه
اینقدر جالب باشه.



ووووووورسی

!



اوه، چه باری.

فکر نکنم بامون
زمستونی به این زوریا
بند بیاد.

فکر می‌کنم کنار
ورودی چادر یه پتو
بود...



باید برم
بیارمش.

من دارم کمکش می‌کنم
که بفوايه، پس نباید بزارم
سرما بپوره.

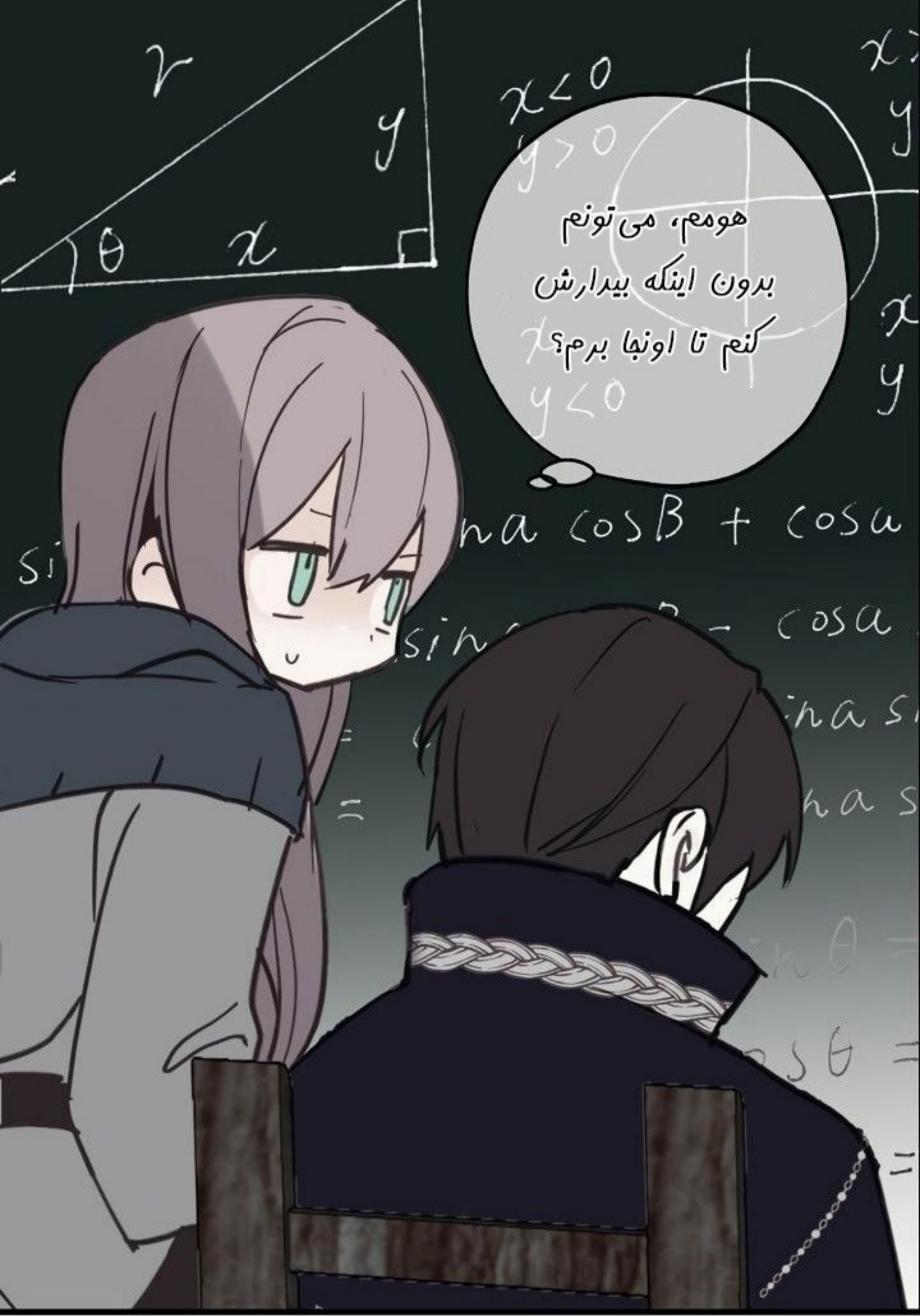


غیرت

اوه، درسته!



اون آدمیه که با افتادن به کاغذ هم از خواب بیدار می شه!



هوم، می تونم بدون اینکه بیدارش کنم تا اونجا برم؟

مالا هر چی، فقط باید تمام تلاشمو بکنم و عیش کنم.



رتبه اول قدرت الهی در معبد النور

پاورچین

پاورچین

موفقیت...!

رابطه‌گر از
پذیری بود که فکر
می‌کردم.

اون همیشه چوری
به نظر می‌رسه که انکار
خوابش فیلی سبکه و بعد از یه
ساعت بیدار می‌شه، ولی الان
فیلی عمیق خوابیره.

انقدر خسته
بود؟

یکم
ناامید کننده‌س.

تشنه...



... هعم؟

پوشانده...!



... صبر کن این پتو
که واسه من خیلی بزرگه،
ولی چرا اندازه اش
نیست؟



آه...

اون خیلی
پهارشونه س
و همین همه چیزو
سفت می کنه.



اینجوری نمی شه،
اول باید از کمر به بالا
رو درست پوشونم.



درسته اینجا
رو اینطوری...

خجسته خجسته



آه، درست شد!



باورم نمی شه،
انجامش دارم!

تالای تلوی
تالای تلوی

تالای تلوی

تالای تلوی

ید

فیلی نزدیکه!
بوت می کم فیلی
نزدیکه!!!!

ید_یدار
شدین؟

잘못된 고백

만화 해독 · 원작 코오아라
디렉터 정종욱 · 기획총괄 권별빛 · 기획 김유진 · 편집 김유진, 이지후
발행 다온크리에이티브

본 저작물은 (주)다온크리에이티브가 저작권자와의 계약에 따라 발행한 것으로
저작권법의 보호를 받는 저작물입니다. 본 서의 내용을 무단 전재 및 무단 복제하는 것을 금합니다.

